

شاخصه‌های دکترین نظامی جدید روسیه پس از سال ۲۰۲۰ میلادی براساس تحلیل مؤسسه رند آمریکا

محسن رادمهر^۱، بهرام اصلی‌زاده^۲، غلامعلی رنجبر^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

چکیده

مؤسسه تحقیقاتی «رند» یکی از مؤثرترین و با نفوذترین مراکز تحقیقاتی در حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کاخ سفید و مافیای تجارت جهانی (صهیونیسم بین‌الملل) محسوب می‌شود. سیاست‌مداران و مقامات بلندپایه کاخ سفید، همواره نتایج پژوهش‌ها و تحقیقات این مؤسسه را مدنظر داشته و در سطح بالایی این نتایج را در تصمیم‌گیری‌های خود به کار می‌بندند. خانم «دارا ماسیکوت» یکی از محققین ارشد این مؤسسه است. او در سال ۲۰۱۹ م، با نگارش مقاله‌ای تحت عنوان «پیش‌بینی دکترین جدید نظامی روسیه در سال ۲۰۲۰ م» به تحلیل و پیش‌بینی دکترین نظامی جدید روسیه در ۲۰۲۰ م پرداخته است. از آنجا که روسیه از جمله بازیگران مهم منطقه و جهان محسوب می‌شود؛ پیش‌بینی دکترین نظامی این کشور از سوی مؤسسه تحقیقاتی رند، قابل توجه و حائز اهمیت است. از این‌رو، این پژوهش کوشیده است تا با روش کیفی و با تکیه بر ترجمه مقاله دارا ماسیکوت به دیدگاه و پیش‌بینی این مؤسسه از دکترین نظامی روسیه پی برده و به سؤال اساسی «چیستی تحلیل و پیش‌بینی مؤسسه رند از دکترین نظامی روسیه در سال ۲۰۲۰» پاسخ دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «تأکید و تمرکز مداوم بر روش‌های غیرنظامی قبل از درگیری نظامی و حین وقوع آن»، «استراتژی دفاع فعال (مؤثر)»، «استراتژی اقدام محدود»، «میادین نبردهای متراکم و نقش رو به رشد شرکت‌های نظامی خارجی»، «آینده ناخوشایند و دشوار کنترل تسلیحات»، «عدم تغییر اساسی در سیاست هسته‌ای روسیه»، «اهمیت انواع سلاح بالارونده، ربات‌های رزمی و هوش مصنوعی در دکترین جدید»، «انتقادات پر حجم علیه ایالات متحده برای رقابت با کشورهای بزرگ»، «عدم ارتقاء ایالات متحده آمریکا به دسته تهدید نظامی» از مهم‌ترین موضوعات و نکات دکترین جدید روسیه است.

کلید واژه‌ها: دکترین، روسیه، رند، نظامی.

۱- مدرس و پژوهشگر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع).

۲- مدرس و پژوهشگر دانشکده امام علی (ع).

۳- مدرس و پژوهشگر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع).

۱ - مقدمه

روسیه یکی از وسیع‌ترین کشورهای دنیا و دارای زیرساخت‌ها و تأسیسات مهم صنعتی و نظامی است. این کشور در کنار آمریکا، دو قدرت هسته‌ای در جهان محسوب می‌شوند. روسیه از جمله بازیگرانی است که در عرصه بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اهمیت در حوزه سیاست خارجی، دفاعی، نظامی و امنیتی به‌طور فزاینده ارتقا می‌یابد. دکترین یا رهنامه به عنوان عالی‌ترین سند رسمی در روسیه نقشی مؤثر در ارتقاء درک شرق‌شناسان و تحلیلگران امنیتی از دیدگاه‌های دفاعی امنیتی روسیه دارد. در ادبیات شرقی، دکترین نقش محوری در انتقال دیدگاه‌ها و باورهای رسمی نسبت به جنگ آینده و محیط امنیتی پیش رو دارد.

توجه به دکترین‌های روسیه از دو منظر قابل توجه است؛ در نگاه اول، از آنجا که دکترین محصول ذهنیت‌های اجتماعی و سیاسی یک کشور و بیانگر جهان‌بینی و نوع نگرش کشور مزبور است، می‌تواند منبعی ارزشمند برای تحلیل منطقی‌های راهبردی و درک ماهیت جهت‌گیری آن کشور باشد. اسناد دکترینی، بخشی جداناپذیر در فرآیند تحلیل محیط امنیتی پیرامونی است. از این منظر، دکترین روسیه به سبب اهمیت تاریخی و راهبردی که این کشور در سیاست‌های امنیتی - دفاعی جمهوری اسلامی دارد، باید مورد کنکاش و تحلیل دقیق قرار گیرد. در نگاه دوم، باید توجه داشت که این پیش‌بینی توسط مؤسسه رند انجام شده است. به دلیل سابقه این مؤسسه و میزان اثرگذاری آن در سیاست‌های آمریکا، تحلیل و پیش‌بینی این مؤسسه بسیار حائز اهمیت است.

مؤسسه تحقیقاتی «رند»^۱، مولود فکر فرمانده نیروی هوایی ارتش آمریکا در طول جنگ جهانی دوم است. او هنگامی که خلاقیت‌های مهندسی و تکنولوژیکی تحقیق‌یافته در تسلیحات نظامی همچون سیستم‌های راداری و بمب اتمی را مشاهده کرد، به این فکر افتاد تا جهت تغذیه فکری نیروی هوایی آمریکا و ایجاد نوآوری‌های جدید در آن، یک مرکز مطالعاتی تأسیس نماید. از این‌رو، در سال ۱۹۴۶ م پروژه تحقیقاتی «رند» توسط بخش برنامه‌ریزی راهبردی ستاد نیروی هوایی ارتش تأسیس شد. پس از مدتی، پروژه رند با کمک بنیاد «فورد» به یک مؤسسه که مأموریت مطالعات راهبردی و بین‌المللی دولت آمریکا را بر عهده داشت، تبدیل شد. این مؤسسه

۱- RAND

پژوهشی مدتی تحت پوشش وزارت دفاع (پنتاگون) قرار گرفت و در خصوص طرح‌ریزی راهبردهای دفاعی و نظامی ارتش آمریکا فعالیت نمود. در حدود سال ۱۹۷۰ م، مؤسسه رند پروژه‌های غیرنظامی را به فعالیت‌های خود اضافه کرد و به عنوان یک واحد غیرانتفاعی در شهر «سانتا مونیقای» ایالت کالیفرنیا استقرار پیدا کرد. هم‌اکنون این مؤسسه به عنوان یکی از مؤثرترین و بانفوذترین کانون‌های فکری تأثیرگذار در حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کاخ سفید و حتی مافیای تجارت جهانی (صهیونیسم بین‌الملل) در آمده است. بودجه‌های مالی آن از سوی دولت فدرال، وزارت دفاع، ستاد مشترک، سازمان‌های دفاع و شرکت‌ها و بنیادهای خصوصی تأمین می‌شود.

این مؤسسه، تحقیقات پژوهشی خود را در موضوعاتی چون مؤلفه‌های امنیت ملی آمریکا، سیاست خارجی، بررسی امور بین‌المللی، جهانی‌سازی و دموکراسی، مسائل حقوقی، تجارت و سرمایه‌گذاری اقتصادی و اقتصاد جهانی متمرکز نموده است. همچنین مؤسسه رند در بعد فراملی، اهداف خود را بر پایه بررسی بحران‌های بین‌المللی اقتصادی و راهبردهای جهانی آمریکا قرار داده است. مؤسسه رند، تمرکز ویژه‌ای روی چالش‌های جهانی نیز دارد. در این راستا، گزارش‌های راهبردی سالانه‌ای را منتشر می‌کند که به‌طور ویژه‌ای مورد توجه سیاستمداران کاخ سفید قرار می‌گیرد. گفته می‌شود سیاستمداران و مقامات بلندپایه کاخ سفید به همراه کارشناسان این مؤسسه، جلسات تحلیلی و راهبردی را در کارگروه‌های تخصصی رند برگزار کرده و نتایج حاصله در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت اجرایی می‌شود.

در طول دهه ۵۰ میلادی، مؤسسه رند طرح‌هایی را در خصوص سیستم دفاعی موشکی، تولید موشک‌های بالستیک و چگونگی پرتاب بمب اتمی ارائه کرد که به تصویب کمیته دفاعی کنگره رسید و اجرایی گردید. همچنین در طول این دهه، رند توانست با مطالعات گسترده، اولین پایگاه فضایی آمریکا را بنا نهاد و سیستم‌های هشداردهنده در مقابل حملات موشکی شوروی را ابداع و فعال کند. در طول دهه ۶۰، مؤسسه رند از بدنه نیروی هوایی ارتش خارج شد و در دولت‌های کندی و جانسون (۱۹۶۱-۱۹۶۹) پروژه‌های تحقیقاتی خود را در وزارت دفاع (پنتاگون) انجام می‌داد. در این دوره یکی از محققان برجسته رند سیاست «نابودسازی متقابل مطمئن» را به وزارت دفاع ارائه کرد که در حوزه سیاست خارجی آمریکا اجرایی شد. گفته می‌شود حتی اشغال ویتنام،

متأثر از این طرح بوده است. همچنین در طول این دهه، کارشناسان مؤسسه رند، روش مطالعاتی «دلفی» را ابداع کردند که به ظهور روش علمی و کارآمد جهت پیش‌بینی پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک در حوزه نظامی و دفاع آمریکا منجر گردید.

در دهه ۷۰ میلادی، مؤسسه رند پروژه‌های غیرنظامی را به فعالیت‌های خود اضافه کرد که مهم‌ترین آن بحث «آینده‌پژوهی» بود که به سفارش شورای ملی اطلاعات آمریکا اجرایی شد. از دیگر پروژه‌های تحقیقاتی مؤسسه رند در این دوره می‌توان به سناریوسازی، شبیه‌سازی رایانه‌ای تحولات سیاسی و بین‌المللی، تحلیل سیستم‌ها، بودجه‌بندی و تخصیص مالی هزینه‌های طرح‌های راهبردی و ... اشاره کرد.

در طول جنگ سرد، مؤسسه رند علاوه بر ارائه پروژه‌های دفاعی و نظامی که مهم‌ترین آن سپر نظامی و توسعه تسلیحات اتمی بود، «دکترین سیاست بازدارنده» علیه شوروی را ارائه کرد که اجرایی گردید. این دکترین در راستای مهار شوروی و براندازی نرم آن قرار داشت. اجرای «دکترین سیاست بازدارنده» مؤسسه رند، در فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی نقشی اساسی داشت و امروزه این الگو برای مقابله با جهان اسلام از سوی سیاستمداران کاخ سفید پیگیری می‌شود.

در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی سیاست خارجی و نظامی آمریکا بر اثر جنگ ویتنام، تحریم نفت از طرف دول عربی و ظهور انقلاب اسلامی صدمات بزرگی متحمل شده بود و مسئله انرژی و رقابت با شوروی سابق، از اساسی‌ترین موضوعات راهبردی کاخ سفید به شمار می‌رفت. در این دوره، مؤسسه «رند» طرح دخالت نظامی در خلیج فارس را با هدف تسلط بر چاه‌های نفت این منطقه ارائه کرد. این طرح با سقوط اتحادیه جماهیر شوروی در زمان ریاست جمهوری بوش پدر و در اوایل دهه ۹۰ م اجرایی شد که منجر به جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و ورود نظامی آمریکا به منطقه خاورمیانه گردید.

همچنین این مؤسسه در اوایل دهه ۹۰ م، در تصویب و اجرای «سند راهنمای دفاعی آمریکا» نقش قابل توجهی داشت و «دکترین برتری نظامی آمریکا» را در منطقه راهبردی خاورمیانه پیشنهاد داد.

مؤسسه رند در طراحی پروژه قرن جدید آمریکایی در سال ۱۹۹۷ م نقش قابل توجهی بر عهده گرفت؛ به طوری که با به قدرت رسیدن بوش پسر در سال ۲۰۰۰ م، این مؤسسه در اجرایی شدن این

طرح از سوی نومحافظه‌کاران کاخ سفید جایگاه اساسی داشت. طرح اصلی حمله و لشکرکشی آمریکا به عراق و افغانستان از سوی مؤسسه «رند» پیشنهاد شده است.

از آنجایی که بعد از فروپاشی کمونیسم، اسلام به عنوان جدی‌ترین تهدید جهان غرب محسوب می‌شود، مؤسسه رند تحقیقات راهبردی گسترده‌ای را در خصوص مقابله با جهان اسلام و ایران به عنوان کانون اسلام انقلابی، در دستور کار خود قرار داد که از مهم‌ترین طرح‌های راهبردی «رند» در این راستا می‌توان به «شبکه‌سازی‌های اجتماعی» در جوامع اسلامی از جمله ایران اشاره کرد که از اواخر دهه ۹۰ م به مرحله اجرا درآمد.

مرکز مطالعات سیاسی خاورمیانه مؤسسه رند در سال ۲۰۰۷ م، طرح راهبردی دیگری را برای مقابله با جهان اسلام تحت عنوان «ایجاد شبکه‌های مسلمان میانه‌رو» را به سیاستمداران کاخ سفید ارائه داد. گسترش ناتو به سمت شرق و نفوذ در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز تحت تأثیر مستقیم راهبردهای تحلیلی مؤسسه رند بوده است (Swarf.ir).

به نقل از سایت مؤسسه رند، خانم «دارا ماسیکوت» یکی از محققین ارشد سیاست در آن مؤسسه است. او قبل از پیوستن به رند، به عنوان تحلیلگر ارشد توانایی‌های نظامی روسیه در وزارت دفاع آمریکا مشغول به خدمت بوده است.

موضوع اصلی تحقیقات ماسیکوت در رند، موضوعات دفاعی و امنیتی در روسیه و اوراسیا است. او در خصوص «استراتژی نظامی روسیه»، «عملیات جنگی و طرح قدرت» و همچنین «پویایی مدرن‌سازی و تشدید نظامی روسیه» صاحب تخصص است.

برخی از پروژه‌های مهمی که او درباره روسیه انجام داده عبارت‌اند از: راه جنگ روسیه، تقویت ثبات استراتژیک با روسیه، رویکردی جدید برای کنترل تسلیحات متعارف در اروپا: پرداختن به چالش‌های امنیتی قرن ۲۱، آینده ارتش روسیه: توانایی‌های جنگ زمینی روسیه و پیامدهای آن در رقابت ایالات متحده و روسیه، حد پیشروی روسیه: تجزیه و تحلیل توانایی‌ها و محدودیت‌های استقرار نیروی زمینی روسیه و... (rand.org).

۲- ادبیات نظری:

۲-۱- تعریف مفهوم دکترین:

تعریف دکترین یا رهنامه در لغت به اشکال مختلفی از جمله دیدگاه، الگو، بیانیه، اصول، نظریه، خط‌مشی، چگونگی عمل، راهنما و روش و ده‌ها عنوان دیگر تعریف شده است (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۳۲). معادل آن در زبان فارسی، واژه آیین با ریشه پهلوی است که دارای معانی دستور، روش، رسم، عادت، نظم، قاعده، سنت و کیش است. دکترین در فارسی مترادف آموزه هم به کار رفته و اخیراً نیز واژه رهنامه را معادل آن برگزیده‌اند. بدون استثناء، نیروهای مسلح موفق دارای افرادی کارآمد، با آموزش‌های کیفی و فناوری پیشرفته بوده‌اند که همگی با یک رهنامه منطقی مورد پشتیبانی قرار گرفته‌اند (دانش آشتیانی، ۱۳۸۹: ۱۸).

پیمان آتلانتیک شمالی ناتو، دکترین را این‌گونه تعریف کرده است: دکترین، اصول بنیادی است که به واسطه آن، اقدام‌های نیروهای نظامی در راستای دستیابی به هدف‌ها، هدایت می‌شود. این اصول هرچند الزام‌آور هستند، ولی اجرای آن‌ها منوط به بررسی شرایط است (زه‌دی، ۱۳۹۴: ۴۵).

دکترین در فرهنگ دفاعی - امنیتی نیز این‌گونه تعریف و تقسیم‌بندی شده است: دکترین نظریه، اصول یا قواعد بنیادین معتبری است که هدایت‌کننده اقدام در پشتیبانی از سیاست‌ها و برنامه‌ها در جهت تأمین اهداف بوده و به کار بردن آن‌ها مستلزم درک مقتضیات و تصمیم‌گیری صحیح و منطقی است (زه‌دی، ۱۳۸۹: ۲۹).

در فرهنگ واژه‌های نظامی، در تعریف دکترین نظامی آمده است: دکترین نظامی، اصول بنیادی است که بر مبنای آن نیروهای نظامی و عناصر تشکیل‌دهنده آن اقدامات خود را در جهت پشتیبانی از منافع ملی هدایت می‌کنند. اعمال دکترین تعیین‌شده الزامی است، ولی نحوه اجرای آن بستگی به نظر و قضاوت مسئولین امر و شرایط محیط دارد (رستمی، ۱۳۷۸: ۴۲۱).

دکترین نظامی بیانگر مجموعه‌ای از اصول، قواعد، خط‌مشی‌های کلی و افکار سازمانی مبتنی بر یک یا چند اصل مشخص و محدود است. دکترین نظامی خود می‌تواند بخشی از یک فلسفه یا ایدئولوژی نظامی و یا حاصل یک یا چند نظریه نظامی باشد و یا در چارچوب یک یا چند نظریه یا تئوری ارائه گردد و برای اقدام‌های نظامی که از تجربه یا تئوری سرچشمه می‌گیرند،

پس از اجماع به عنوان یک راهنما شناخته می‌شوند (ثروتی و مظلوم، ۱۳۸۹: ۲۷).

۲-۲ - سابقه تدوین دکترین در روسیه

بدون تردید امروزه ارتش روسیه یکی از قدرتمندترین ارتش‌های کنونی جهان محسوب می‌شود؛ لیکن توانمندی ارتش روسیه صرفاً در توانمندی‌های تجهیزاتی و سخت آن خلاصه نمی‌شود. تاریخ پرفرازونشیب ارتش روسیه، این ارتش را به یکی از پیشتازان عرصه نظریه‌پردازی در حوزه علوم دفاعی و نظامی مبدل ساخته است. سابقه نگارش دکترین مکتوب در روسیه به دوره تزار در سده نوزدهم به ویژه سال‌های پس از جنگ روسیه و ژاپن (۱۹۰۴ - ۱۹۰۶) بر می‌گردد. در این دوره، مباحث چالش‌برانگیزی در خصوص چرایی شکست روسیه از ژاپن مطرح شد که بسیاری از دانشمندان نظامی روس، علت آن را «نبود وحدت» عنوان می‌نمودند. در سال ۱۹۱۲ م، «وی دومانوسکی»^۱ با انتشار مقاله‌ای در روزنامه «ارتش روسیه»^۲ با عنوان «وحدت رویه در دکترین نظامی» بیان نمود که ارتش روسیه از یک دکترین رزمی منسجم برخوردار نیست (دیوسالار، ۱۳۸۶: ۱۱).

دیدگاه‌های دومانوسکی اگرچه با انتقاداتی مواجه شد، اما توسط نظامیان برجسته آن دوره مورد تأیید قرار گرفت. نهایتاً در مناظرات مختلف میان اندیشمندان روس در سال‌های ۱۹۱۷ - ۱۹۱۲ م، سرانجام رویکرد و نظریه دومانوسکی به پیروزی رسید. پس از انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ م در روسیه، مناظرات اندیشمندان روسی در موضوع دکترین، وارد عرصه جدیدی شد و نهایتاً سنگ بنای برداشت شوروی‌ها و روسیه کنونی از دکترین بنا به رویکرد «میخائیل وی فرونز»^۳ بنا نهاده شد. فرونز دکترین را تحت تأثیر سه مؤلفه شامل «تجربیات جنگ داخلی»، «شرایط سیاسی جدید کشور» و «مطالبات ارتش سرخ» قلمداد می‌نمود. در شوروی بر مبنای نگاه فرونز، دکترین نظامی، ماهیتی تشخیصی، تجویزی و برآوردگر داشت و از ماهیت پیش‌بینی‌نگر برخوردار بود (همان).

۱- V.Domanevsky

۲- Voeyna Mysel

۳- Mikhaeil V.Frunze

۲ - ۳ - مفهوم دکترین در روسیه و تفاوت آن با دکترین‌های غربی

مفهوم دکترین در ادبیات شرق و غرب از تفاوت قابل توجهی برخوردار است. نگاه روس‌ها به دکترین به مراتب وسیع‌تر و کلان‌تر از نگاه غرب و به خصوص آمریکا است. در حالی که در غرب، دکترین شعور ناپیدای حاکم بر به کارگیری نیروهای مسلح در صحنه نبرد تعبیر می‌شود که بر پایه مفاهیم عملیاتی شکل گرفته و ارتباط میان فناوری، ساختار، تئوری و تجربه رزمی را برقرار می‌سازد؛ در شرق دکترین برداشت مشترکی است از مطالبات دفاعی ملی (دیوسالار، ۱۳۸۶: ۱۶).

«مارشال گرچکو»^۱ وزیر دفاع شوروی سابق در سال ۱۹۷۵ م به روشنی در توصیف دکترین بیان کرد که دکترین در روسیه عبارت است از مجموعه دیدگاه‌های ارائه شده از سوی حکومت در یک دوره زمانی مشخص در خصوص اهداف نظامی، ماهیت جنگ آینده، چگونگی آمادگی نیروهای مسلح کشور جهت مشارکت در جنگ بعدی و روش برپایی جنگ (Grechko, 1976).

بیانات «ژنرال گاریف» در سال ۲۰۰۷ م نشانگر عدم تغییر رویکرد مطرح شده از سوی گرچکو است. آن چنان که گاریف بیان می‌کند، دکترین مجموعه‌ای از دانش دفاعی است متشکل از دیدگاه‌ها و نگاه‌های رسمی مورد پذیرش کشور در خصوص روش‌های مقابله با تهدیدات و تضمین امنیت؛ نحوه مقابله با جنگ‌ها و درگیری‌ها با شیوه‌های توسعه و سازمان‌دهی نیرو؛ نحوه آماده‌سازی کشور، نیروهای مسلح و سایر قوا در دفاع از سرزمین مادری؛ شیوه جنگ و سایر فعالیت‌هایی است که موجب ارتقاء امنیت ملی می‌گردند.

دکترین‌های روسی تلاش نموده‌اند همواره چند پرسش اصلی را پاسخ گویند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

جنگ آتی پیش روی روسیه که ارتش می‌باید خود را بر آن مبنا توسعه دهد، چیست؟ دشمن پیش روی روسیه کیست؟ ارتش روسیه می‌باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد؟ روسیه چگونه باید از ظرفیت و توان ملی خود در راستای آمادگی رزمی بهره‌گیرد؟ محورهای اصلی مطالبات عملیاتی فناوریانه و اقتصادی نیروهای مسلح و عناصر قدرت در روسیه چیست؟ مقررات و شرایط حاکم در به کارگیری نیروهای متعارف و راهبردهای راهبردی چیست؟

۱- A.A.Grechko

در واقع می‌توان گفت که دکترین نظامی در روسیه معادل راهبرد امنیت ملی در آمریکا است. رویکرد شرقی به دکترین در کشورهایی نظیر روسیه، چین، بلاروس، قزاقستان و برخی کشورهای مشترک‌المنافع حاکم است.

به نظر می‌رسد نحوه تعامل دکترین و سیاست یکی دیگر از تفاوت‌های مهم در ادبیات دکترین شرق و غرب است که مهم‌ترین اثر خود را در فرآیندهای تدوین دکترین بر جای می‌گذارد. در رویکردهای غربی، دکترین همواره متغیر وابسته به راهبردها و سیاست است و می‌توان یک نظام بالا به پایینی که از راهبردهای امنیت ملی آغاز شده و پس از گذر از سیاست‌های امنیت ملی به راهبرد نظامی و سپس دکترین نظامی ختم می‌شود مشاهده نمود (دیوسالار، همان).

۲-۴- مروری بر دکترین‌های نظامی - امنیتی روسیه

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ م، اوضاع ژئوپلیتیکی و امنیتی پیرامون مسکو نیز به شدت دستخوش دگرگونی شد. در این بین، کشور روسیه سعی کرد در قامت یک بازیگر مستقل بین‌المللی و به عنوان قدرت منطقه‌ای، نقش مهمی در تحولات جهانی به‌ویژه در مناطق اروپای شرقی، آسیای مرکزی و قفقاز ایفا نماید. در این راستا روسیه از سال ۱۹۹۱ تلاش نمود با تعریف دکترین نظامی، محیط پیرامون خود را از هرگونه خطری مصون نگه دارد. بر این اساس، با توجه به تهدیدات نظامی موجود علیه امنیت ملی روسیه، این کشور تاکنون سه دکترین نظامی به‌طور رسمی در سال‌های ۱۹۹۳، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰، طرح و به تصویب رسانده است.

۲-۴-۱- نخستین دکترین نظامی - امنیتی روسیه

نخستین دکترین نظامی - امنیتی روسیه در ۲ نوامبر سال ۱۹۹۳ م تصویب شد. در این دکترین، با توجه به رویه غرب‌گرایی که بر سیاست خارجی روسیه حاکم بود و همچنین تهدیدهای امنیتی روسیه که عموماً از بحران‌های داخلی، منازعات قومی و واگرایی‌های محلی در داخل کشور نشأت می‌گرفت، امکان بروز هر نوع مناقشه نظامی خارجی منتفی دانسته شده بود. این دکترین با تأکید بر این نکته که روسیه در صحنه جهانی هیچ دشمنی ندارد، هدف اصلی را حمایت از منافع ملی و جلوگیری از جنگ دانسته بود. همچنین در این دکترین موارد زیر به عنوان تهدیدات امنیت ملی روسیه به حساب آمده بودند:

- استقرار نیروهای نظامی در مرزهای روسیه که می‌تواند همبستگی حاکم بر نیروهای روسی را مختل کند؛
- ورود نیروهای خارجی به اراضی کشورهای همسایه؛
- آموزش نیروهای مسلح در کشورهای دیگر برای ورود به خاک روسیه و متحدان آن؛
- حمله به تأسیسات مرزی فدراسیون روسیه و متحدین آن برای ایجاد منازعات و درگیری‌های مرزی؛
- اقدام برای مداخله در عملکرد دستگاه‌های روسی که به پشتیبانی نیروهای هسته‌ای استراتژیک و فرماندهی و کنترل نظامی و نیز بخش‌های قضایی مشغول هستند (جیوتسنا بکشی، ۱۳۸۰: ۲۸).

۲-۴-۲- دومین دکترین امنیتی - نظامی روسیه

در پی گسترش ناتو به شرق و لغو پیمان ضد موشک بالستیک (ABM) توسط آمریکا، روسیه ناگزیر شد به جای آنکه توسعه امنیت ملی خود را از طریق مشارکت در امنیت بین‌المللی دنبال کند، به صورت فردی در پی تأمین منافع و امنیت ملی خود برآید. از این رو، دومین دکترین نظامی جدید روسیه در ۲۱ آوریل ۲۰۰۰ م منتشر شد. این دکترین صرفاً جنبه تدافعی داشت. روسیه در این دکترین پذیرفته بود که با تهدیدات جدی مواجه شده و باید در مقابل این تهدیدات ایستادگی کند. بر این اساس، اتکا به ایده همکاری با غرب دیگر نمی‌توانست مشکل امنیت ملی روسیه را حل نماید.

در این سند، تهدیدات امنیت ملی روسیه در سه شکل «تهدیدات اصلی امنیت نظامی»، «تهدیدات خارجی اساسی» و «تهدیدات اساسی داخلی» به تفصیل شمارش شده‌اند. بر این اساس، علیرغم آنکه روسیه با تهدید صریحی در امنیت ملی خود مواجه نمی‌باشد، اما مجموعه‌ای از تهدیدات خارجی و داخلی وجود دارند که امنیت ملی روسیه را به مخاطره می‌اندازند. از جمله این تهدیدات می‌توان به ادعاهای ارضی علیه فدراسیون روسیه، ادعاهایی درباره مسائل داخلی روسیه، نادیده گرفتن (نقض) منافع روسیه در حل مسائل امنیتی بین‌المللی، مخالفت با تقویت روسیه به عنوان یکی از مراکز با نفوذ جهان چندقطبی، منازعات مسلحانه و درگیری‌های موجود در نزدیکی

مرزهای روسیه و متحدان آن، ایجاد گروه‌ها و تشکیلات جدید در نیروهای نظامی برای برهم زدن توازن موجود بین نیروهای نظامی روسیه و متحدان آن در مقابل نیروهای نظامی خارجی، ایجاد بلوک‌ها و اتحادیه‌های نظامی علیه امنیت نظامی روسیه و متحدان آن، لشکرکشی نیروهای خارجی (بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل) به خاک کشورهای مجاور و دوست روسیه، تجهیزات پشتیبانی و آموزش گروه‌ها و واحدهای مسلح به وسیله برخی از کشورها برای استقرار آنها در خاک روسیه یا متحدان آن جهت انجام عملیات نظامی، حمله مسلحانه به تأسیسات نظامی روسیه مستقر در خاک دولت‌های خارجی و نیز به تأسیسات مستقر در مرزهای روسیه و متحدان آن، هدف‌گیری و تضعیف فعالیت سیستم‌های کنترل و فرماندهی نظامی روسیه، عملیات خصمانه (اطلاعاتی، فنی حرفه‌ای، روانی و غیره) علیه روسیه و متحدان آن، تبعیض علیه حقوق، آزادی‌ها و منافع قانونی شهروندان روسیه در خارج از کشور و سرکوب آنها و همچنین تروریسم اشاره نمود (دکترین نظامی جدید روسیه، ۱۳۸۰: ۳۷).

در روز ۲ اکتبر ۲۰۰۳، وزارت دفاع روسیه طرحی را برای توسعه نیروهای نظامی آن کشور منتشر کرد. این سند ۷۳ صفحه‌ای که توسط سرگئی ایوانوف، وزیر دفاع روسیه ارائه شده بود؛ به رغم آنکه تفاوت شدیدی با دکترین نظامی سال ۲۰۰۰ روسیه نداشت، اما از بسیاری جهات آن را به روز کرده بود. بر این اساس، در حالی که دکترین نظامی روسیه در سال ۲۰۰۰، نتیجه توجه روسیه به گسترش ناتو بود، طرح جدید نشان‌دهنده تمرکز روسیه بر تروریسم و سایر تهدیدات «امنیتی نرم» بود و آرزوی این کشور بر کنترل عصر پس از شوروی را از نو احیاء می‌کرد. این طرح همچنین بر التزام روسیه به تبدیل ارتش خود به یک نیروی حرفه‌ای که بتواند در جنگ‌های نامتقارن بجنگد، تأکید می‌نمود. در طرح توسعه نیروهای نظامی روسیه، تأکید جدیدی بر کاربرد نیروی نظامی به منظور دفاع از منافع اقتصادی روسیه در خارج و نیز حمایت از اقلیت‌های روسی‌زبان در کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل هم‌سود، صورت گرفته بود (صباغیان، ۱۳۸۲).

۲ - ۴ - ۳ - سومین دکترین امنیتی - نظامی روسیه

در ۱۳ مه سال ۲۰۰۹، دمتری مدودف رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه، حکم مربوط به «استراتژی امنیت ملی روسیه تا سال ۲۰۲۰» را با هدف هماهنگ‌نمودن تلاش‌های ارگان‌های فدرال

قوه مجریه، ارگان‌های حکومتی زیرمجموعه‌های فدراسیون روسیه، سازمان‌ها و شهروندان فدراسیون روسیه در تأمین امنیت ملی تأیید نمود و به دنبال آن، استراتژی امنیت ملی موضوع دکترین ۲۰۰۹ مطرح گردید. بر این اساس، در تاریخ ۵ فوریه ۲۰۱۰، دمتری مدودف رئیس‌جمهوری روسیه، این کشور و قوانین مربوط به تلاش‌های دولت روسیه در زمینه حفظ بازدارندگی هسته‌ای تا سال ۲۰۲۰ را مورد تأیید قرار داد.

دکترین نظامی روسیه با توجه به تهدیدات نظامی در جهان، احتمال بروز مناقشات نظامی با تکیه بر قدرت هسته‌ای روسیه و امکان استفاده از آن برای مقابله با متجاوزان تکمیل شده است. «نیکلا پاتروشیف» دبیر شورای امنیت روسیه با اشاره به اینکه دکترین نظامی روسیه تهدیدی برای سایر کشورها محسوب نمی‌شود، در عین حال یادآور شده بود که روسیه خواستار جهان بدون سلاح هسته‌ای است، ولی برای این منظور لازم است نه تنها روسیه و آمریکا از سلاح‌های هسته‌ای چشم‌پوشی کنند، بلکه سایر کشورهای عضو «باشگاه هسته‌ای» هم از این الگو پیروی کنند. وی در توضیح علت تغییر مداوم در دکترین نظامی روسیه چنین اظهار داشته که «در جهان تهدیدات نظامی تازه‌ای پیدا شده که روسیه در برابر آن‌ها به‌طور کامل بیمه نشده است، بنابراین نیاز به تجدیدنظر در این سند، امری ضروری بود».

در دکترین نظامی روسیه در سال ۲۰۰۹، امکان استفاده از سلاح هسته‌ای برای دفاع از تجاوز نظامی به روسیه و یا یکی از متحدانش و نیز در صورت تلاش برای ضربه‌زدن به تمامیت ارضی این کشور پیش‌بینی شده است. بر این اساس در دکترین نظامی ۲۰۰۹ ضمن تأکید بر حق روسیه در استفاده از تسلیحات هسته‌ای در زمانی که مورد تهدید قرار گرفته است، گسترش سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز تهدیدی برای امنیت ملی روسیه تلقی شده است. در این دکترین، گسترش سازمان نظامی ناتو به اروپای شرقی و همچنین طرح‌های آمریکا برای ایجاد سپر موشکی در اروپا به مثابه خطری برای امنیت ملی روسیه تلقی شده‌اند.

علاوه بر این در سند ۲۰۰۹، تهدیدات نظامی جدید جهانی همچون مبارزه بر سر سوخت، انرژی و سایر منابع طبیعی با استفاده از نیروهای مسلح، گسترش ناتو، گسترش سلاح کشتار جمعی، از جمله سلاح‌های هسته‌ای و تروریسم بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در دکترین ۲۰۰۹ نظامی بر این مسئله تأکید شده است که مهم‌ترین وظیفه روسیه، جلوگیری و قدرت بازدارندگی در مقابل بروز هر نوع مناقشه نظامی است. همچنین در این سند آمده است که روسیه استفاده از

نیروهای نظامی به منظور پاسخگویی به اقدامات تجاوزکارانه در قبال خود یا متحدان خویش و همچنین با هدف حفظ یا احیای صلح براساس تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد و سایر ساختارهای امنیت بین‌المللی را قانونی می‌داند.

بر اساس دکترین نظامی سال ۲۰۰۹، روسیه به عنوان یک قدرت هسته‌ای در جهان این امکان را دارد که برای مقابله با دشمنان بالقوه خویش و ممانعت از اقدامات متجاوزانه آن‌ها، از قدرت بازدارندگی هسته‌ای خویش استفاده کند. در واقع در این سند، امکان استفاده از سلاح‌های هسته‌ای با توجه به اوضاع و مقاصد دشمنان احتمالی مورد توجه قرار گرفته و در شرایطی که امنیت ملی روسیه در معرض خطر قرار داشته باشد، وارد کردن حملات هسته‌ای به طرف متجاوز، از جمله حملات پیشگیرانه غیرممکن دانسته نشده است.

برخی از خطرات اساسی نظامی خارجی تهدیدکننده روسیه در سند دکترین نظامی مصوبه سال ۲۰۱۰ عبارت‌اند از:

تلاش برای بخشیدن وظایف جهانی به توان نظامی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی و اجرای این وظایف برخلاف موازین حقوق بین‌الملل؛ نزدیک کردن زیرساخت نظامی کشورهای عضو ناتو به مرزهای فدراسیون روسیه از جمله از طریق گسترش این پیمان؛ کوشش برای بی‌ثبات کردن اوضاع بعضی کشورها و مناطق و براندازی ثبات راهبردی؛ استقرار یا افزایش واحدهای نیروهای مسلح کشورهای خارجی در مناطق مجاور با فدراسیون روسیه و متحدان و نیز در آب‌های مجاور؛ ایجاد و استقرار سامانه‌های پدافند ضد موشکی راهبردی که ثبات جهانی را متزلزل می‌کند و تناسب شکل گرفته نیروهای موشکی و هسته‌ای را بر هم می‌زند؛ و نیز نظامی‌گری فضای کیهانی؛ استقرار سامانه‌های راهبردی غیرهسته‌ای سلاح‌های فوق‌العاده دقیق؛ ادعاهای سرزمینی از فدراسیون روسیه و متحدان آن و مداخله در امور داخلی آن‌ها؛ اشاعه سلاح‌های کشتار دسته‌جمعی؛ موشک‌ها و فناوری موشک‌سازی و افزایش تعداد کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای؛ تخلف بعضی دولت‌ها از توافقات بین‌المللی و عدم رعایت قراردادهای قبلی بین‌المللی در زمینه تجدید و کاهش تسلیحات؛ توسل به زور نظامی در کشورهای مجاور با فدراسیون روسیه برخلاف منشور سازمان ملل متحد و سایر موازین حقوق بین‌الملل؛ وجود کانون‌های مناقشات مسلحانه و توسعه این مناقشات در مناطق کشورهای مجاور با فدراسیون روسیه و متحدان آن؛ گسترش تروریسم

بین‌المللی؛ ظهور کانون‌های تنش بین قومی (بین‌المذاهب)؛ وجود گروه‌های مختلف مسلح افراطی بین‌المللی در مناطق مجاور یا مرز دولتی فدراسیون روسیه و مرزهای کشورهای متحد فدراسیون روسیه و نیز وجود اختلاف‌نظرهای سرزمینی؛ رشد جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی مذهبی در بعضی مناطق جهان (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۸).

۲-۴-۴ - برخی از تحولات مهم روسیه در سال ۲۰۱۹

پیش از پرداختن به مقاله دارا ماسیکوت، مروری بر برخی از تحولات مهم روسیه در سال ۲۰۱۹ می‌تواند به پیش‌بینی دکترین جدید روسیه کمک کند. روسیه همواره تلاش کرده است که در ساختار نظام بین‌الملل برای خود جایگاه منحصربه‌فردی کسب کند. این موضوع به ویژه از سال ۲۰۱۴ روندی افزایشی به خود گرفته است.

با توجه به اهمیت روسیه، می‌توان تحولات مهم این کشور را در سال ۲۰۱۹ در چهار عرصه داخلی، اقتصادی، نظامی و خارجی مورد بررسی قرار داد:

در بعد داخلی، روسیه به شدت با تلاش‌های غربی‌ها به ویژه آمریکا برای مداخله در امور داخلی خود، تضعیف دولت و شخص رئیس‌جمهوری آن مواجه است. از آن جمله می‌توان به تحریک مستقیم مردم مسکو توسط سفارت‌خانه‌های آمریکا و آلمان برای شرکت در تظاهرات اعتراض‌آمیز در اوت ۲۰۱۹ اشاره کرد. این اقدام با واکنش شدید دولت روسیه مواجه شد. مسکو با انتقاد از مداخله‌جویی غرب در امور داخلی این کشور، درباره تبعات آن هشدار داد.

اقدامات غرب به ویژه آمریکا برای مداخله در امور داخلی روسیه با هدف ایجاد بی‌ثباتی، افزایش اعتراضات و در نهایت ایجاد زمینه برای شکل‌گیری تحولات مطلوب واشنگتن در روسیه صورت گرفت.

یکی از اقدامات مشخص در این زمینه، افزایش کمک‌های مالی و نیز حمایت همه‌جانبه رسانه‌ای از مخالفان و فضاسازی منفی در زمینه اوضاع داخلی روسیه در سال ۲۰۱۹ بود. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه معتقد است که در پشت اعتراضات در روسیه، کشورهای غربی قرار دارند که تلاش می‌کنند تا در این کشور انقلاب رنگی برپا کنند.

در بعد اقتصادی نیز روسیه علاوه بر تلاش برای افزایش رشد اقتصادی و تقویت بنیان‌های

اقتصادی، در چارچوب سیاست «نگاه به شرق» تلاش گسترده‌ای برای تنوع بخشی به صادرات نفتی و گازی خود کرده است.

در این راستا می‌توان به همکاری نزدیک روسیه و چین اشاره کرد. روسیه و چین در دسامبر ۲۰۱۹، انتقال گاز از خط لوله «قدرت سیبری» را افتتاح کردند. پروژه‌ای که قرار است سالانه ۳۸ میلیارد مترمکعب گاز را از دو میدان گازی شرق دور روسیه به چین پمپاژ کند.

پوتین در این مراسم تأکید کرد که همکاری روسیه و چین در عرصه انرژی با راه‌اندازی خط لوله «قدرت سیبری» وارد مرحله تازه‌ای شده است. همچنین در همین سال، پوتین در نشست مطبوعاتی سالانه خود اعلام کرد که «میان مسکو و پکن اعتماد بی‌سابقه‌ای وجود دارد که شرایط را برای پیشرفت همکاری اقتصادی بهتر کرده است». در همین نشست، پوتین گفت که «مسکو و پکن اتحاد نظامی نداشته و قصد ایجاد آن را نیز ندارند. با این حال روسیه به چین در ایجاد سیستم هشداردهنده حملات موشکی کمک می‌کند که جنبه تدافعی دارد».

البته در این سال، روسیه تلاش نمود تا صادرات گاز به کشورهای اروپایی را گسترش دهد. این موضوع با مخالفت شدید آمریکا مواجه شد. در این راستا، واشنگتن پس از تهدیدهای متعدد علیه برخی کشورهای اروپایی مانند آلمان برای توقف همکاری گازی با روسیه، این کشور را تحریم کرد. این موضوع دوباره روابط بین آمریکا و روسیه را بحرانی و تیره کرد.

در بعد نظامی، روسیه در دوران زمامداری ولادیمیر پوتین، گام‌های بلندی را در مسیر نوسازی نیروهای مسلح و توسعه توانمندی‌های استراتژیک برداشته است. این روند در سال ۲۰۱۹ با جدیت بیشتری دنبال شد. در این راستا پوتین، در ۱۳ مه ۲۰۱۹ در یک سخنرانی، دستور توسعه نیروی هوافضای روسیه و تشکیل نیروی دفاعی در برابر تسلیحات فراصوت به عنوان یکی از اولویت‌های دفاعی را صادر کرد. او تأکید کرد که «یکی از وظایف مهم نیروی هوافضای روسیه، افزایش کنترل فضا است».

از دیدگاه روس‌ها، تحلیل درگیری‌های نظامی کنونی نشان می‌دهد که توسعه سامانه‌های دفاع موشکی پیشرفته باید یکی از اولویت‌های مهم نیروهای دفاعی هوافضای روسیه باشد. به همین دلیل رئیس‌جمهور روسیه معتقد است که باید تجهیز نیروی هوافضا با پیشرفته‌ترین سامانه‌های دفاع موشکی از جمله سامانه موشکی دوربرد اس-۴۰۰ و سامانه‌های موشکی کوتاه برد ادامه یابد. مقامات ارشد سیاسی و نظامی روسیه بر این باورند که با توجه به برنامه جدید تسلیحاتی روسیه،

قادر هستند تا واکنش مناسبی در قبال تهدیدات فزاینده غرب به ویژه آمریکا نشان دهند. تأکید پوتین بر توسعه نیروی هوافضای روسیه با توجه به اقدامات اخیر آمریکا در تشکیل نیروی فضایی و افزایش تهدیدات از ناحیه تسلیحات فراصوت که دولت ترامپ به شدت پیگیر آن است، صورت گرفته است.

در عرصه سیاست خارجی هم یکی از مهم‌ترین مسائل روسیه در سال ۲۰۱۹، ماهیت و مسیر آینده روابط با آمریکا بود. روابط مسکو و واشنگتن در دوره پسا جنگ سرد دچار نوسانات زیادی گردید. این روابط به ویژه پس از بروز بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ وارد مرحله تقابل شد. واشنگتن علاوه بر رویارویی با مسکو در زمینه امنیتی و نظامی، سیاست تشدید فشارها علیه روسیه را در ابعاد مختلف سیاسی و دیپلماتیک، تجاری و اقتصادی، نظامی و تسلیحاتی و انرژی دنبال کرده است. به رغم رایزنی‌ها بین مقامات ارشد دو کشور آمریکا و روسیه، روسیه بر تداوم اختلافات دو کشور تصریح کرده است.

در واقع، دایره اختلافات روسیه و آمریکا آن‌چنان وسیع و متنوع است که امکان حل‌وفصل آن‌ها و نزدیکی دو کشور، دشوار به نظر می‌رسد. این اختلافات نه فقط در زمینه مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای مانند بحران اوکراین، توافق هسته‌ای برجام، بحران هسته‌ای شبه‌جزیره کره، بحران سوریه و نیز مسائل کلان مانند پیمان‌های کنترل تسلیحات است؛ بلکه اختلاف درباره ماهیت نظام بین‌المللی مطلوب یعنی یک‌جانبه‌گرایی یا چندجانبه‌گرایی نیز از اختلافات اصلی مسکو و واشنگتن محسوب می‌شود.

البته شایان ذکر است که آمریکا اساساً دیدگاهی خصمانه در قبال روسیه دارد و رویکرد واشنگتن در قبال مسکو در سال‌های اخیر صرفاً مبتنی بر دشمنی فزاینده و اعمال فشارهای همه‌جانبه بوده است. منافع متعارض این دو قدرت بین‌المللی در زمینه مسائلی مانند توانمندی هسته‌ای، مسئله انرژی و حوزه‌های نفوذ در شرق اروپا، غرب آسیا و آمریکای لاتین موجب شده است تا واشنگتن در اسناد بالادستی خود مانند استراتژی امنیت ملی، استراتژی دفاع ملی و دکترین جدید هسته‌ای آمریکا، همواره از روسیه به مثابه بزرگ‌ترین تهدید علیه آمریکا و نیز تهدید هسته‌ای شماره یک یاد کند. البته روسیه اقدامات خصمانه واشنگتن علیه مسکو را بی‌پاسخ نگذاشته است.

واشنگتن همواره روسیه را در کنار چین به عنوان دشمن و تهدید اصلی علیه آمریکا معرفی کرده

است. مقامات ارشد روس به‌خوبی از این مسئله آگاه هستند که رویکرد آمریکا در قبال روسیه، اساساً مبتنی بر تضعیف این کشور در ابعاد مختلف است.

دولت ترامپ شدت بحران این مسئله را با اعمال انواع تحریم‌ها، خروج از پیمان‌های تسلیحاتی با هدف وادار کردن روسیه برای ورود به مسابقه تسلیحاتی با آمریکا، تلاش برای کاهش و یا قطع ارتباط دیگر کشورها به ویژه کشورهای اروپایی با روسیه و نیز اعمال سیاست مهار روسیه از طریق افزایش حضور نظامی در مرزهای غربی این کشور نشان داده است.

روابط روسیه و ناتو یکی از مهم‌ترین ملاحظات خارجی روسیه در بعد امنیتی و نظامی در سال ۲۰۱۹ بود. روابط روسیه و ناتو در دوران پسا جنگ سرد، در بدترین شرایط قرار دارد. در سال ۲۰۱۹ نیز روند تشدید تنش‌ها ادامه یافت. ناتو که تحت نفوذ آمریکا به عنوان قدرت مسلط شناخته می‌شود، در سال‌های اخیر کاملاً در راستای منافع و اهداف واشنگتن در صحنه اروپا عمل کرده است. آمریکا در اسناد کلان امنیتی و نظامی خود، روسیه را به عنوان بزرگ‌ترین تهدید مطرح کرده است. این مسئله باعث شد تا ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه در انتقادی بی‌سابقه از ناتو، آن را ابزار سیاست خارجی آمریکا بنامد.

پوتین معتقد است که «در ناتو، کشورهای هم‌پیمان حضور ندارند، بلکه این سازمان نظامی صرفاً متشکل از کشورهای وابسته به آمریکا است». افزایش رویارویی ناتو با روسیه در شرق اروپا که در راستای سیاست خارجی آمریکا برای مهار روسیه انجام می‌شود، نشان‌دهنده ماهیت ابزاری ناتو برای واشنگتن است. رویکرد خصمانه ناتو با افزایش استقرار نظامیان خود در شرق اروپا و ادامه تلاش آن برای پیشروی به‌سوی شرق باعث شده است تا مسکو در دکترین امنیت ملی خود، ناتو را به عنوان تهدید امنیت ملی روسیه تلقی کند. با توجه به خصومت‌ورزی غرب به ویژه آمریکا، مسکو در سیاست خارجی جدید خود بر حق مقابله به مثل و واکنش مناسب به اقدامات خصمانه غرب تأکید کرده است.

۳- روش پژوهش

روش این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری مطالب و اطلاعات مورد نیاز نیز، از طریق مطالعه اسناد و منابع کتابخانه‌ای اعم از کتاب‌ها، مجله‌ها و مقالات

و ... است. در این پژوهش، از ابزار فیش برداری برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

۴ - یافته‌های پژوهش

۴ - ۱ - پیش‌بینی دکترین نظامی روسیه پس از ۲۰۲۰ میلادی

پس از آشنایی مختصر با دکترین‌های نظامی روسیه، به بیان و تشریح مقاله دارا ماسیکوت در خصوص پیش‌بینی دکترین جدید روسیه پرداخته می‌شود. دارا ماسیکوت در مقاله «پیش‌بینی دکترین جدید نظامی روسیه در سال ۲۰۲۰» با اشاره به انتشار «آخرین دکترین نظامی روسیه در روز کریسمس سال ۲۰۱۴»، برخی از مشغولیت‌های مهم مسکو را در این سال‌ها بر می‌شمارد. از دیدگاه او همین مشغولیت‌ها باعث است تا تصویب و ارائه چهارمین و جدیدترین دکترین روسیه به تعویق بیفتد.

در این مدت مسکو به «مداخله در امور سوریه»، «مداخله در انتخابات ایالات متحده آمریکا»، «رونمایی از برخی از سلاح‌های پیشرفته خود از جمله: موشک‌های کروز عملیاتی با موتورهای هسته‌ای؛ اژدرهای اقیانوس‌پیما و ...» مشغول بوده است.

ماسیکوت اعلام امیدواری می‌کند که «به دلیل تیره‌شدن روابط مسکو با واشنگتن و همچنین کسب تجارب چشمگیر عملیاتی ارتش روس در سوریه و اوکراین» دیگر وقت آن رسیده است که دکترین نظامی روسیه به‌روز شده و چهارمین دکترین نظامی این کشور به‌زودی مورد تصویب قرار گیرد.

اشاره ماسیکوت به تیرگی روابط مسکو و واشنگتن به رقابت این دو قدرت در سطح بین‌المللی بر می‌گردد. روابط روسیه و آمریکا طی دهه اخیر این دوره که با مشخصاتی نظیر رقابت‌های تسلیحاتی، رقابت‌های ژئوپلیتیکی و جنگ فرهنگی و رسانه‌ای شناخته می‌شود، پس از فروپاشی شوروی تا مدتی متوقف شد؛ با این حال، با گذشت زمانی نه چندان طولانی، واقعیت‌های ژئوپلیتیکی بار دیگر خود را بر مناسبات دو کشور حاکم کرد. در حال حاضر روسیه و آمریکا در حوزه‌هایی نظیر قراردادهای دوجانبه کنترل تسلیحات، اتهامات متقابل دخالت در امور داخلی یکدیگر، الحاق کریمه و تحریم‌های آمریکا علیه روسیه با یکدیگر اختلاف داشته و بلکه در برخی از این حوزه‌ها در حال نزاع‌اند. سطح اختلاف میان دو کشور به حدی است که برخی آن را

با منازعات جنگ سرد مقایسه کرده‌اند. ارزیابی‌ها نشان می‌داد که بعد از آمدن دونالد ترامپ به کاخ سفید، روابط واشنگتن - مسکو یک فصل استثنایی از نزدیکی کم‌سابقه‌ای را در خود پدید خواهد آورد که نه تنها مشکلات هر دو کشور حل خواهد شد که بسیاری از مشکلات منطقه و جهان در سایه این روابط هم حل خواهد شد؛ اما چنین گمانه‌ای تحقق نیافت، بلکه روابط هر دو قدرت هسته‌ای جهان بیش از حد انتظار به سردی گرایید و احتمال دارد که به تقابل دوران جنگ سرد و شدیدتر از آن برگردند. بررسی و تبیین اسناد راهبردی دو کشور نیز بیانگر آن است که هریک از طرفین، سطح بالایی از تهدید برای طرف مقابل قائل‌اند. این تهدید برای ایالات متحده به حدی است که روسیه را در کنار چین، بزرگ‌ترین تهدید در سطح بین‌المللی برای خود به شمار آورده است.

از سال ۲۰۱۴ به این طرف، اختلافات میان روسیه و آمریکا ابعاد وسیع‌تر به خود گرفته است. اوکراین در شرق اروپا یکی از مسائل جنجالی میان هر دو کشور تلقی می‌گردد. پوتین رئیس‌جمهور روسیه، تحول در اوکراین را نوعی کودتا از سوی ایالات متحده آمریکا و متحدان غربی‌اش قلمداد می‌کند و به این باور است که آمریکا مسئول خلق بحران در این منطقه است؛ به ویژه با گسترش ناتو به سوی شرق و استقرار سامانه‌های ضد موشکی در اروپا، مرزهای روسیه را با چالش‌های غیرقابل‌مهار روبرو ساخته است. بحران سوریه و رویارویی هر دو کشور در این بحران از مسائل دیگری است که بر روابط مسکو و واشنگتن سایه افکنده است. ایالات متحده آمریکا از حضور مسکو در تحولات سوریه به شدت ناراحت است و روسیه را یکی از حامیان اصلی بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه می‌داند و باورمند است که با موجودیت بشار اسد در قدرت، مشکلات سوریه حل نخواهد شد؛ اما مسکو، آمریکا را مسئول اصلی دوام جنگ در سوریه می‌داند و می‌گوید که واشنگتن با حمایت سیاسی و تسلیحاتی خود از مخالفان حکومت دمشق، باعث دوام جنگ و گسترش بحران در این منطقه از خاورمیانه شده است.

آمریکایی‌ها از دخالت روسیه در سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری این کشور بسیار برافروخته و ناراحت‌اند و آن را یک خیانت بزرگ از سوی مسکو می‌دانند. با اینکه مسکو این اتهام را رد کرده است، اما آمریکا رسماً دولت روسیه را به هدایت حملات سایبری علیه سازمان‌های سیاسی آمریکا متهم و اعلام کرد هدف از این حملات سایبری، ایجاد اختلال در روند انتخابات ریاست

جمهوری آمریکا بوده است. براساس همین نوع اظهارات بود که حدس و گمانه‌زنی‌هایی مبنی بر نزدیکی واشنگتن و مسکو شکل گرفت و پیش‌بینی می‌شد که ترامپ تلاش خواهد کرد تا تقابل میان روسیه و آمریکا را به یک تعامل پایدار تبدیل کند، اما به نظر می‌رسد که ترامپ علیرغم تمایلات احتمالی قلبی خود، نتوانست فضای حاکم بر آمریکا را بشکند و با نزدیکی‌اش به مسکو، بار اتهامات را بر خود سنگین‌تر نماید.

در نهایت اینکه، یکی از مهم‌ترین خواسته‌های پوتین این است که آمریکا بپذیرد که روسیه هم در قرن بیست و یکم در عرصه‌هایی که پای منافع حیاتی‌اش در میان باشد، به اندازه آمریکا قدرتمند است. روسیه می‌خواهد مانند آمریکا بتواند بدون ترس از عواقب، گاهی فراتر از قوانین بین‌المللی دست به اقدامات و ابتکاراتی در عرصه جهانی بزند؛ به همین دلیل تحریم‌های آمریکا بعد از حمله کرملین به اوکراین را نوعی گستاخی آمریکا در برابر خودش در نظر می‌گیرد و بیشتر به دلایل سیاسی و نه اقتصادی، به دنبال لغو این تحریم‌ها است. پوتین به دنبال این است تا ناتو را به عقب براند، نه به این علت که معتقد است نزدیک شدن ناتو به روسیه تهدید حیاتی است برای این کشور، بلکه به این دلیل که تلاش ناتو برای نزدیک شدن به حوزه نفوذ روسیه را نوعی تلاش غرب برای مرعوب و تحقیر کردن این کشور و جسارت دخالت غرب در حوزه نفوذ خود به عنوان قدرتی جهانی می‌داند.

دارا ماسیکوت می‌نویسد «اگرچه مقامات روسی اعلام نکرده‌اند که یک دکترین به روز شده در دست اجرا است، اما دلایل مختلفی برای منطقی بودن رونمایی از آن در سال ۲۰۲۰ وجود دارد». او سپس به بیان دلایل خود می‌پردازد:

- «برهم خوردن و تغییر پیش‌بینی‌های روسیه به خاطر وجود تهدیدات آمریکا»
 - «اهمیت بالای سال ۲۰۲۰ برای برنامه‌ریزی نظامی روسیه». «به دلیل عبور و گذر از یک دهه آشفتگی و همچنین انجام تلاش‌های دشوار و البته پرهزینه برای نوسازی و بازیابی آمادگی نظامی خود با انجام اصلاحات جاه‌طلبانه»
- ماسیکوت «جایگزینی و بروزرسانی ۷۰ درصد از تجهیزات نظامی روسیه تا سال ۲۰۲۰؛ افزایش تعداد پرسنل نظامی روسیه و ترمیم پایگاه صنایع دفاعی» را از جمله این «اصلاحات جاه‌طلبانه» در ارتش می‌داند.

- «اذعان و تصریح «سرگئی شویگو» وزیر دفاع روسیه به فرارسیدن زمان بروزرسانی دکترین نظامی در روسیه». از دیدگاه نویسنده مؤسسه رند، «سرگئی شویگو معتقد است که این اصلاحات و همچنین برخی از دستورات ریاست جمهوری مربوط به سال ۲۰۲۰ به ارتش روسیه این اجازه را داده است که خود را به سطح کیفی جدیدی برساند».
- «تمرکز روسیه روی تهدیدات خارجی، مخصوصاً تهدیدات از سوی آمریکا و هم‌پیمانانش در ناتو از سال ۲۰۱۴»
- «اعتقاد رهبران روسیه به افزایش روندهای منفی از جمله تحریم‌های اقتصادی، انقلاب‌های رنگی و درگیری محتمل میان دولت‌ها»
- «اعتقاد روسیه به نابودی و اضمحلال نظام جهانی فعلی دنیا به رهبری آمریکا»
- «رسیدن وقت به چالش کشیدن قدرت‌های بزرگ مانند چین و روسیه»
- از دیدگاه ماسیکوت دلیل و شاهد «فرضیه روسیه مبنی بر تلاش آمریکا و هم‌پیمانانش برای ایجاد تهدید و یا مهار روسیه، صدور استراتژی دفاع ملی ایالات متحده و بررسی موقعیت هسته‌ای، تمرکز مجدد پنتاگون بر رقابت قدرت‌های بزرگ و حضور نوبتی نیروهای ناتو در اروپای شرقی» است.
- «افزایش بی‌اعتمادی به عنوان ویژگی بارز در استراتژی امنیت ملی روسیه در سال ۲۰۱۵ و منشور مفهوم سیاست خارجی آن در سال ۲۰۱۶»
- «تصریح دبیر شورای امنیت فدرال روسیه «نیکولای باتروشیف» مبنی بر به روزرسانی استراتژی امنیت ملی در سال آینده»
- «تأکید بر ذکر «تا سال ۲۰۲۰» روی دو دکترین نظامی قبلی روسیه در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴»

پیش‌بینی ۹ مطلب در دکترین جدید:

دارا ماسیکوت سپس در مقاله خود، ۹ مطلب از دکترین جدید روسیه را پیش‌بینی کرده است. او معتقد است که اگرچه دکترین جدید از لحاظ «زبان» و «ساختار» دارای «ثبات نظر» است، اما «اعمال تغییرات کوچک اما با اهمیت» و همچنین «اضافه شدن نقاط تمرکز به فعالیت‌های پیش رو و آینده» نیز در آن دکترین «اجتناب‌ناپذیر» است.

ماسیکوت با بیان یک مثال به تشریح بیشتر موضوع می‌پردازد: «به‌عنوان مثال، تهدیدات داخلی برای اولین بار در دکتترین سال ۲۰۱۴ گنجانده شد و از آن زمان، روسیه به بازنگری روابط حقوقی بین ارتش و آژانس‌های امنیتی ملی داخلی پرداخت». او هدف از ایجاد و تأسیس «مرکز کنترل دفاع ملی در مسکو» را «کنترل انواع مختلف تهدیدها» عنوان می‌کند. به اعتقاد ماسیکوت و «براساس پیش‌بینی‌ها، درک تهدیدات روسیه، بیانیه‌های رهبری، نوسازی نیرو و عملیات جنگی از زمان انتشار آخرین دکتترین نظامی در سال ۲۰۱۴»، احتمالاً موارد زیر در دکتترین نظامی جدید روسیه گنجانده شود:

۱ - تأکید و تمرکز مداوم بر روش‌های غیرنظامی قبل از درگیری نظامی و حین وقوع آن

«تمرکز و تأکید رئیس ستاد کل روسیه «والری گراسیموف» از سال ۲۰۱۳ به همراه بسیاری دیگر از استراتژیست‌های نظامی روسیه در طول سال‌ها بر تدابیر غیرنظامی و همچنین به کارگیری کامل طرف‌های درگیر»، «بیان و گسترش این مفهوم در دکتترین نظامی ۲۰۱۴ روسیه»، «عملیاتی کردن این مفهوم توسط فرماندهان ارتش روسیه در اوکراین، سوریه و احتمالاً ونزوئلا»، «اشاره گراسیموف در مارس ۲۰۱۹ به نقش روش‌های غیرنظامی در دستیابی به اهداف سیاسی و استراتژیک و دعوت به پژوهش در مورد این مفهوم توسط سازمان‌های تحقیقاتی علمی نظامی» از مهم‌ترین دلایل ماسیکوت برای طرح این مؤلفه از دکتترین جدید روسیه می‌باشد.

۲ - استراتژی دفاع فعال (مؤثر)

نویسنده و تحلیل‌گر ارشد مؤسسه رند، دلیل خود را در اظهارات گراسیموف جستجو کرده است. «گراسیموف معتقد است که ادغام تهدیدات نظامی و غیرنظامی مستلزم دفاع یکپارچه است. او خاطرنشان کرده که در حین درگیری نظامی، دشمنان روسیه ضمن انجام هم‌زمان عملیات نظامی و واردآوردن ضربات دقیق به اهداف بسیار مهم، اقدامات غیرمستقیمی را برای بی‌ثبات کردن روسیه انجام می‌دهند». ماسیکوت از این اظهارات نتیجه گرفته است که یک دکتترین به روز شده ممکن است شامل ذکر یک مفهوم جدید دفاعی یکپارچه از عملیات مانند «استراتژی دفاع فعال» باشد. به اعتقاد وی «گراسیموف به طور مبهم آن را «مجموعه اقدامات خنثی‌سازی فعالانه

تهدیدات علیه امنیت کشور» توصیف کرده است.

۳ - استراتژی اقدام محدود

ماسیکوت نوشته است که «استراتژیست‌های نظامی روسیه آخرین روش (راهبرد) این کشور را قبل از استقرار ارتش در سوریه - اولین عملیات بزرگ جنگی خارج از منطقه مسکو از زمان افغانستان در دهه ۱۹۸۰ - منتشر کردند. گراسیموف اخیراً از عبارت «استراتژی اقدام محدود» برای توصیف عملیات در سوریه استفاده کرد. این مفهوم می‌تواند برای انواع مختلفی از عملیات اعمال شود، اما گراسیموف به‌طور خاص از این عبارت برای توصیف یک کارزار عملیاتی خارج از منطقه استفاده کرد. او سپس با بیان اینکه این مفهوم - استراتژی اقدام محدود - در دائره‌المعارف رسمی ارتش روسیه وجود ندارد، بنا به «فرهنگ‌نامه امنیت ملی و اصطلاحات نظامی دیمتری روگوزین» در نسخه چاپ ۲۰۱۷، در تعریف این مفهوم نوشته است:

«روشی از انجام جنگ و عملیات با اهداف محدود، با گسترش عمدی اقدامات نظامی در مناطق کاملاً مشخص، فقط با استفاده از بخشی از پتانسیل نظامی و یگان‌های معین از نیروهای مسلح، برای ضربه‌زدن به تعداد معین انتخاب‌شده از اهداف و یگان‌های دشمن».

به اعتقاد ماسیکوت «این استراتژی در شرایطی مورد استفاده قرار می‌گیرد که برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده، نیازی به استفاده از کل قدرت نظامی یک کشور نباشد و یا اگر طرف یا طرف دیگری بخواهد از اقدامات گسترده و خطرناک دشمن جلوگیری کند. در عین حال، اقدامات نظامی ماهیت محدودی دارند. آن‌ها عمدتاً با شروع حملات آتش و انجام عملیات مشترک نیروهای هوایی، ضد هوایی، خطوط مقدم ارتش و تیپ‌ها در مقیاس کوچک‌تر انجام می‌شوند. استراتژی جنگ با استفاده محدود از سلاح‌های هسته‌ای، شرایط خاصی می‌طلبد».

۴ - میادین نبردهای متراکم و نقش رو به رشد شرکت‌های نظامی

خارجی

بنا به نوشته ماسیکوت، «در دکترین ۲۰۱۴ روسیه» برای اولین بار و به‌طور خلاصه از «شرکت‌های خصوصی نظامی» نام آورده شد و از آن‌ها به عنوان یکی از ویژگی‌های

«درگیری‌های مدرن» یاد شد. از آن زمان، شرکت‌های خصوصی نظامی در کنار نیروهای منظم در میادین نبردهای پیچیده نبرد در سوریه، اوکراین و لیبی شرکت کرده‌اند. به اعتقاد او، دکترین جدید روسیه احتمالاً این موضوع را ادامه خواهد داد و یا در بهترین حالت شامل اشاره مبهم یا رمزگذاری شده از افزایش نقش این شرکت‌ها خواهد بود. سپس او به اظهارات گیراسیموف اشاره می‌کند که می‌گوید: «تعداد بازیگران شرکت‌کننده در مبارزه مسلحانه در حال افزایش است. در کنار نیروهای مسلح دولت‌های مستقل، گروه‌های مختلف شورشی، شرکت‌های خصوصی نظامی و «شبه کشورها» خود خوانده در میدان جنگ نبرد می‌کنند».

۵ - آینده ناخوشایند و دشوار کنترل تسلیحات

ماسیکوت در مقاله خود پیش‌بینی کرده است که «احتمالاً در دکتین ۲۰۲۰ روسیه، این دولت، آمریکا را مسئول نقض «پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان برد» موسوم به INF می‌داند». ماسیکوت با رد خروج اولیه آمریکا از این پیمان ادعا کرده است که «روسیه به دروغ نقض پیمان INF را متوجه «عقب‌نشینی یک‌جانبه توسط ایالات متحده به بهانه‌های ساختگی» می‌کند، در صورتی که تلاش‌های چندساله مسکو برای تولید مخفیانه سلاح‌هایی مانند ۷۲۹M۹ (-) SSC) ۸) موشک کروز برخلاف معاهده را نادیده گرفته است».

اشاره ماسیکوت به پیمانی است که در سال ۱۹۸۷، بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و پس از فروپاشی شوروی با روسیه امضا و در سال ۱۹۸۸ اجرایی شد. این پیمان پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ، دستخوش تحولات عجیبی شد. رئیس‌جمهور آمریکا در ۲۱ اکتبر ۲۰۱۸ اعلام کرد که به دلیل نقض مکرر این پیمان توسط روسیه، آمریکا از پیمان مذکور خارج خواهد شد. از این‌رو رسماً در سال ۲۰۱۹ از این پیمان خارج شد. در پی این واکنش، روسیه نیز یک روز بعد، از این پیمان خارج شد.

ماسیکوت ادامه داده است که «احتمالاً دکترین جدید بر التزام و تعهد روسیه به پیمان جدید START تأکید داشته و موضع روسیه را در مورد جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی بیان می‌کند». البته او با توجه به اظهارات وزیر دفاع روسیه، سرگئی شویگو در اوایل سال ۲۰۱۹

می‌نویسد که «روسیه کار روی یک موشک کروز پرتاب دوربرد مافوق صوت مبتنی بر سیستم کالیبر را آغاز و برد سیستم‌های شلیک‌شده زمینی موجود را به بیش از برد ۵۰۰ کیلومتر افزایش می‌دهد».

۶- عدم تغییر اساسی در سیاست هسته‌ای روسیه

ماسیکوت با اشاره به اظهارات ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور و دیگر فرماندهان روسیه در سال ۲۰۱۹ پیش‌بینی کرده است که در دکترین جدید روسیه سیاست هسته‌ای آن کشور هیچ تغییر اساسی نخواهد کرد. به اذعان او، پوتین سیاست روسیه را یک سیاست «شلیک در هنگام هجوم» یا «حمله به حمله» می‌داند، نه یک سیاست هسته‌ای «پیشگیرانه» و «بازدارنده».

۷- اهمیت انواع سلاح بالارونده، ربات‌های رزمی و هوش مصنوعی در

دکترین جدید

به اذعان تحلیل‌گر ارشد مؤسسه رند، «دکترین جدید روسیه غالباً بر توانایی‌های صعودی مانند «موشک‌های مافوق صوت» و «فناوری‌های جدید تسلیحاتی» تأکید دارد». در این سند به احتمال زیاد از «سلاح‌های ضربات دقیق متعارف روسیه» به دلیل «نقش‌های جنگی» و «کمک به بازدارندگی غیرهسته‌ای»، ستایش خواهد شد. ماسیکوت ادامه داده است که روسیه بسیاری از جدیدترین سلاح‌های خود را مانند «موشک بالستیک پرتاب هوایی»، «موشک تحویل مافوق صوت»، «موشک کروز با انرژی هسته‌ای» و چندین سلاح دیگر را به مرحله «آزمایش» رسانده است.

او همچنین به سخنان گراسیموف اشاره کرده است که «هیچ شکی در این واقعیت وجود ندارد که در این زمینه [ابرقهرمانان] در مقایسه با کشورهای پیشرفته از نظر تکنولوژیکی جهان، روسیه پیشرو است». از دیدگاه گراسیموف «یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های متمایز درگیری‌های آینده، «استفاده گسترده از دقت بالا و انواع دیگر سلاح‌های جدید»، از جمله «سلاح‌های رباتیک» است». یکی دیگر از شواهد ماسیکوت برای این ادعا، اظهارات پوتین مبنی بر استفاده روسیه از «قدرت هوش مصنوعی» و «اداره جهان» می‌باشد.

۸ - انتقادات پر حجم علیه ایالات متحده برای رقابت با کشورهای بزرگ

ماسیکوت پیش‌بینی کرده است که «در دکترین و استراتژی امنیت ملی جدید روسیه، انتقادهای غیرمستقیمی بر اسناد استراتژی ایالات متحده وارد خواهد شد». همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در سال‌های اخیر روابط میان آمریکا و روسیه به شدت به تیرگی گراییده است. ماسیکوت پیش‌بینی کرده است که در دکترین جدید، روسیه ایالات متحده را متهم به تلاش برای «کنترل روسیه و در نهایت جهان» کرده است.

۹ - عدم ارتقاء ایالات متحده آمریکا به دسته «تهدید نظامی»

از دیدگاه ماسیکوت در دکترین نظامی جدید روسیه «بعید به نظر می‌رسد که روسیه صراحتاً ایالات متحده یا ناتو را «تهدید نظامی» بنامد. چرا که ناتو تا نزدیک مرزهای روسیه امتداد پیدا کرده و روسیه در حال حاضر آن را «خطر نظامی» تلقی می‌کند». او البته اذعان کرده است که بالابردن ایالات متحده یا ناتو در طبقه‌بندی تهدیدات به سطح تهدید نظامی، حرکتی خطرناک در دنیای استراتژی نظامی است و قطعاً یکی از تحریک‌کننده‌ترین اقداماتی است که یک دکترین جدید می‌تواند انجام دهد. از دیدگاه ماسیکوت، «تهدیدهای نظامی به دولتی گفته می‌شود که در آن «احتمال واقعی وقوع درگیری نظامی» و درجه بالایی از آمادگی نظامی در هر دو طرف وجود داشته باشد». ماسیکوت البته به‌طور ضمنی تهدید کرده است که «اگر ستاد کل روسیه تلاش کند این مرحله را با اشاره به استراتژی‌های ایالات متحده که مستقیماً از روسیه به عنوان یک دشمن نام می‌برد توجیه کند، واکنش‌های منفی بزرگ ایالات متحده قطعاً بیش از منافع روسیه خواهد بود». در پایان این مقاله، دارا ماسیکوت از دکترین جدید نظامی روسیه به عنوان «میراث گراسیموف» نام می‌برد. از نظر او احتمالاً این آخرین دکترینی خواهد بود که گراسیموف به عنوان رئیس ستاد کل آن را تصویب می‌کند. ماسیکوت همچنین معتقد است که «در دکترین جدید روسیه، قابلیت‌های جدید مانند «موشک‌های مافوق صوت»، «ربات‌های رزمی»، «هوش مصنوعی» و پیچیدگی روزافزون در ترکیب ابزارهای نظامی و غیرنظامی برای دستیابی به نتایج در اولویت قرار می‌گیرد».

نتیجه‌گیری:

همان‌گونه که اشاره شد مؤسسه تحقیقاتی «رند» یکی از مؤثرترین و بانفوذترین مراکز تحقیقاتی در حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کاخ سفید و مافیای تجارت جهانی (صهیونیسم بین‌الملل) محسوب می‌شود. سیاستمداران و مقامات بلندپایه کاخ سفید، همواره نتایج پژوهش‌ها و تحقیقات این مؤسسه را مدنظر داشته و در سطح بالایی این نتایج را در تصمیم‌گیری‌های خود به کار می‌بندند.

خانم «دارا ماسیکوت» یکی از محققین ارشد این مؤسسه است. او قبل از پیوستن به رند، به عنوان تحلیل‌گر ارشد توانایی‌های نظامی روسیه در وزارت دفاع آمریکا مشغول به خدمت بوده است. ماسیکوت در سال ۲۰۱۹ م، با نگارش مقاله‌ای تحت عنوان «پیش‌بینی دکترین جدید نظامی روسیه در سال ۲۰۲۰» به تحلیل و پیش‌بینی دکترین نظامی جدید روسیه در ۲۰۲۰ پرداخته است. از آنجا که روسیه از جمله بازیگران مهم منطقه و جهان محسوب می‌شود، پیش‌بینی دکترین نظامی این کشور از سوی مؤسسه تحقیقاتی رند، قابل توجه و حائز اهمیت است.

توجه به دکترین‌های روسیه از دو منظر قابل توجه است؛ در نگاه اول، از آنجا که دکترین محصول ذهنیت‌های اجتماعی و سیاسی یک کشور و بیانگر جهان‌بینی و نوع نگرش کشور مزبور است، می‌تواند منبعی ارزشمند برای تحلیل منطقی‌های راهبردی و درک ماهیت جهت‌گیری آن کشور باشد. اسناد دکترینی بخشی جداناپذیر در فرآیند تحلیل محیط امنیتی پیرامونی است. از این منظر، دکترین روسیه به سبب اهمیت تاریخی و راهبردی که این کشور در سیاست‌های امنیتی - دفاعی جمهوری اسلامی دارد، باید مورد کنکاش و تحلیل دقیق قرار گیرد. در نگاه دوم، باید توجه داشت که این پیش‌بینی توسط مؤسسه رند انجام شده است. به دلیل سابقه این مؤسسه و میزان اثرگذاری آن در سیاست‌های آمریکا، تحلیل و پیش‌بینی این مؤسسه بسیار حائز اهمیت است.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ م، اوضاع ژئوپلیتیکی و امنیتی پیرامون مسکو نیز به شدت دستخوش دگرگونی شد. در این بین، کشور روسیه سعی کرد در قامت یک بازیگر مستقل بین‌المللی و به عنوان قدرت منطقه‌ای، نقش مهمی در تحولات جهانی به ویژه در مناطق اروپای شرقی، آسیای مرکزی و قفقاز ایفا نماید. در این راستا، روسیه از سال ۱۹۹۱ تلاش نمود با تعریف دکترین نظامی، محیط پیرامون خود را از هرگونه خطری مصون نگه دارد. بر این اساس، با توجه به تهدیدات نظامی موجود علیه امنیت ملی روسیه، این کشور تاکنون سه

دکترین نظامی به‌طور رسمی در سال‌های ۱۹۹۳، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰، طرح و به تصویب رسانده است. با گذشت یک دهه از آخرین دکترین رسمی نظامی روسیه، تاکنون از سوی دولت آن کشور، دکترین جدید تصویب نشده است. این پژوهش با توجه به مقاله دارا ماسیکوت کوشید تا ضمن کشف نگاه مؤسسه رند به دکترین جدید روسیه، تا حدودی با نگاه و نوع تحلیل این مؤسسه نسبت به این دکترین آشنا شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بنا به اعتقاد و دیدگاه خانم دارا ماسیکوت روسیه به دلیل «مداخله در امور سوریه»، «مداخله در انتخابات ایالات متحده آمریکا»، «رونمایی از برخی از سلاح‌های پیشرفته خود از جمله: موشک‌های کروز عملیاتی با موتورهای هسته‌ای؛ اژدرهای اقیانوس‌پیما و ...» هنوز موفق به روزرسانی دکترین نظامی خود نشده است.

او معتقد است که به دلایل مختلفی از جمله «برهم خوردن و تغییر پیش‌بینی‌های روسیه به خاطر وجود تهدیدات آمریکا»، «اهمیت بالای سال ۲۰۲۰ برای برنامه‌ریزی نظامی روسیه»، «اذعان و تصریح «سرگئی شویگو» وزیر دفاع روسیه به فرارسیدن زمان بروزسانی دکترین نظامی در روسیه»، «تمرکز روسیه روی تهدیدات خارجی مخصوصاً تهدیدات از سوی آمریکا و هم‌پیمانانش در ناتو از سال ۲۰۱۴»، «اعتقاد رهبران روسیه به افزایش روندهای منفی از جمله تحریم‌های اقتصادی، انقلاب‌های رنگی و درگیری محتمل میان دولت‌ها»، «اعتقاد روسیه به نابودی و اضمحلال نظام جهانی فعلی دنیا به رهبری آمریکا»، «رسیدن وقت به چالش کشیدن قدرت‌های بزرگ مانند چین و روسیه» و ... زمان این بروزسانی بسیار نزدیک است.

به اعتقاد تحلیل‌گر ارشد مؤسسه رند، «تأکید و تمرکز مداوم بر روش‌های غیرنظامی قبل از درگیری نظامی و حین وقوع آن»، «استراتژی دفاع فعال (مؤثر)»، «استراتژی اقدام محدود»، «میادین نبردهای متراکم و نقش رو به رشد شرکت‌های نظامی خارجی»، «آینده ناخوشایند و دشوار کنترل تسلیحات»، «عدم تغییر اساسی در سیاست هسته‌ای روسیه»، «اهمیت انواع سلاح بالارونده، ربات‌های رزمی و هوش مصنوعی در دکترین جدید»، «انتقادات پرحجم علیه ایالات متحده برای رقابت با کشورهای بزرگ»، «عدم ارتقاء ایالات متحده آمریکا به دسته تهدید نظامی» از مهم‌ترین موضوعات و نکات دکترین جدید روسیه است.

منابع:

- ۱- امیری، مهدی (۱۳۸۹). ارزیابی رهنامه نظامی جدید روسیه، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۳۰، پاییز.
- ۲- دانش آشتیانی، محمدباقر (۱۳۸۸). اصول و روش تدوین دکترین نظامی، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره سوم، پاییز.
- ۳- ثروتی، محسن؛ مظلوم، علی (۱۳۸۹). راهنمای تدوین دکترین، تهران: انتشارات ستاد کل نیروهای مسلح.
- ۴- جیوتسناپکشی (۱۳۸۰). تداوم و تغییر در امنیت ملی و دکترین نظامی روسیه، ترجمه علی بختیاری پور، نشریه نگاه (ویژه‌نامه روسیه)، سال دوم، شماره ۲۰، اسفند.
- ۵- دیوسالار، عبدالرسول (۱۳۸۹). ارزیابی ابعاد گوناگون دکترین امنیتی، دفاعی روسیه، فصلنامه سیاست دفاعی، سال پانزدهم، شماره ۶۰، پاییز.
- ۶- دکترین نظامی جدید روسیه (۱۳۸۰). نشریه نگاه (ویژه‌نامه روسیه)، سال دوم، شماره ۲۰، اسفند.
- ۷- رستمی، محمود (۱۳۸۶). فرهنگ واژگان نظامی، تهران: انتشارات ایران سبز.
- ۸- زهدی، یعقوب (۱۳۹۵). سیاست دفاعی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- ۹- صباغیان، علی (۱۳۸۲). نگرش دکترین نظامی جدید روسیه به قفقاز و آسیای میانه، همشهری دیپلماتیک، نیمه اول دی، شماره ۴.
- ۱۰- قاسمی، محمد؛ اشراقی، مهرداد (۱۳۹۷). مقدمه‌ای بر تهیه و تدوین رهنامه راهکشی پلیس، فصلنامه کار آگاه، سال یازدهم، پاییز.
- ۱۱- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۵). مجادله دفاعی - هجومی در دکترین نظامی روسیه، فصلنامه سیاست دفاعی، سال چهاردهم و پانزدهم، شماره ۵۷ - ۵۶، پاییز و زمستان.
- ۱۲- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۸). تحولات سیاسی دفاعی روسیه: سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، فصلنامه سیاست دفاعی، سال هفدهم، شماره ۶۷، تابستان.

- ۱۳- ماسیکوت، دارا (۲۰۱۹). پیش‌بینی دکترین جدید نظامی روسیه در سال ۲۰۲۰، قابل دسترسی در سایت مؤسسه رند.
- ۱۴- مهرز، آسیه (۱۳۹۰). بررسی تحولات دفاعی نظامی ناتو پس از ۱۱ سپتامبر و تأثیر آن بر محیط امنیتی ج.ا.ا.، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۳، تابستان.
- ۱۵- سایت جنگ نرم و عملیات روانی، <http://www.swar.ir>
- ۱۶- سایت مؤسسه رند، <https://www.rand.org>

